



شوک جدید به مدارس و دانش آموزان

باز هم صحبت از یک طرح جدید در آموزش و پرورش به میان آمده است؛ طرحی که می‌گوید دانش آموزان دبیرستانی به صورت هماهنگ یک رشته را بخوانند، یعنی دیگر خبری از رشته «ریاضی»، «تجربی» و «علوم انسانی» نیست، البته این موضوع در سال ۱۳۸۹ نیز مطرح شده بود و در نهایت در بایگانی آموزش و پرورش قرار گرفت. حال پس از ۱۳ سال این موضوع تکراری به میان آمده است که بیشتر به نظر می‌رسد رسانه‌ای کردن یک طرح در دست کارشناسی برای سنجش واکنش‌ها باشد تا بر اساس واکنش‌ها عمل شود نه بر اساس تعقل و کارشناسی!

رسانه‌های شدن طرح ادغام رشته‌های نظری نگرانی‌هایی را در میان دانش آموزان ایجاد کرده است، هر چند گفته شده است در صورت قطعی شدن اجرای این طرح، چندین سال طول می‌کشد به مرحله اجرا برسد اما سؤال این است که چرا طرحی را که مسیر ابتدایی خود را طی می‌کند و اصلاً تصمیم نهایی در باره آن گرفته نشده است، در رسانه‌ها مطرح کرده و دلپره به جان دانش آموزان انداخته‌اند. آن هم دانش آموزانی که دغدغه ورود به دانشگاه یا یاد گرفتن مهارتی برای ورود به بازار کار را دارند و این روزها باید با فراغ‌بال به دنبال ترسیم مسیری عالی برای آینده‌شان باشند. رفتارهای اشتباه برخی مسئولان سبب شده است هر چند وقت یک بار دانش آموزان در معرض شوک جدیدی از سوی نهاد متولی آموزش خودشان قرار گیرند.

فلاذر دست بررسی کارشناسی است!

هفته گذشته محمد مهدی کاظمی، معاون آموزش متوسطه وزارت آموزش و پرورش در گفت‌وگو با یک رسانه از ادغام رشته‌های «تجربی»، «ریاضی» و «انسانی» خبر داد. کاظمی درباره جزئیات این طرح به «جوان» می‌گوید: «حدود یک‌سال است که در راستای بازطراحی ساختار آموزشی دوره دوم متوسطه جلسات مشترکی با صاحب‌نظران، کارشناسان و متولیان امر آموزش متوسطه برگزار می‌شود و این موضوع در دست بررسی کارشناسی است تا در خصوص ساختار نظام آموزشی در دوره دوم متوسطه تصمیم‌گیری شود.»

او ادامه می‌دهد: «مسئله ادغام رشته‌های دوره دوم متوسطه در برخی رشته‌های شاخه‌های فنی، حرفه‌ای و کاردانش در سال تحصیلی جاری اتفاق افتاده و رویکرد آن هم آمایش سرزمینی و همچنین نیازهای کشور و بازار کار بوده است. قصد بر این است که در شاخه نظری هم همین کار انجام شود.» معاون وزیر آموزش و پرورش در پاسخ به این سؤال که اگر این طرح به مرحله اجرا برسد، ملاک ورود به رشته‌های مختلف چه خواهد بود؟ می‌گوید:



کاظمی تصریح می‌کند: «اگر این اتفاق رخ دهد یکسری دروس مشترک برای همه دانش آموزان مدنظر قرار می‌گیرد و در مقابل خود دانش آموزان یکسری دروس را متناسب با علایق و استعدادهای شان انتخاب می‌کنند. برای مثال عمده دانش آموزان شاید هشت ساعت یک درس را بخوانند ولی دانش آموزی که به همان درس علاقه مند است می‌تواند ۱۲ ساعت یک درس را بخواند.»

بسیاری از کارشناسان آموزش نسبت به اجرای طرح ادغام رشته‌های نظری خوش‌بین نیستند. سیدمحمد مرد، دکترا مدیریت آموزشی که یکی از مخالفان اجرای این طرح است به «جوان» می‌گوید: «رسالت آموزش‌های شاخه نظری، آمادگی دانشی و علمی دانش آموزان برای ورود به آموزش عالی است. بیان اجرای چنین طرح مهمی از سوی یک مسئول اجرایی آن هم با تأکید بر اجرای آن، بیشتر ناشی از ناآگاهی مسئولان آموزش و پرورش از مبنای تعلیم و تربیت است. متأسفانه طی سالیان متمادی تغییرات شتاب‌ده و بی‌پشتوانه علمی مسئولان نساآگاه و کم‌سواد، علاوه بر آسیب‌های جدی روحی و روانی به تعداد کثیری از دانش آموزان و خانواده‌ها، باعث کاهش اقتدار و کارآمدی نظام آموزشی شده است.» او ادامه می‌دهد: «عدم شناخت بافت اجتماعی، زمینه‌های اقتصادی و نیازهای بازار کار و همچنین بخشی‌نگری و سطحی‌نگری کلان معضلات



بسیاری از کارشناسان آموزش نسبت به اجرای طرح ادغام رشته‌های نظری خوش‌بین نیستند. سیدمحمد مرد، دکترا مدیریت آموزشی که یکی از مخالفان اجرای این طرح است به «جوان» می‌گوید: «رسالت آموزش‌های شاخه نظری، آمادگی دانشی و علمی دانش آموزان برای ورود به آموزش عالی است. بیان اجرای چنین طرح مهمی از سوی یک مسئول اجرایی آن هم با تأکید بر اجرای آن، بیشتر ناشی از ناآگاهی مسئولان آموزش و پرورش از مبنای تعلیم و تربیت است. متأسفانه طی سالیان متمادی تغییرات شتاب‌ده و بی‌پشتوانه علمی مسئولان نساآگاه و کم‌سواد، علاوه بر آسیب‌های جدی روحی و روانی به تعداد کثیری از دانش آموزان و خانواده‌ها، باعث کاهش اقتدار و کارآمدی نظام آموزشی شده است.» او ادامه می‌دهد: «عدم شناخت بافت اجتماعی، زمینه‌های اقتصادی و نیازهای بازار کار و همچنین بخشی‌نگری و سطحی‌نگری کلان معضلات

بار طرح‌های شتاب‌ده بر دوش معلم و دانش آموز

آموزش و پرورش به طرح چنین مسائلی منجر می‌شود. به گفته او، بی‌توجهی به آموزش‌های مهارتی در حوزه هنرستان‌ها و گسست فاجعه‌بار نیازهای بازار کار و آموزش رسمی باید یکی از اهداف اصلی مسئولان دوره آموزش متوسطه باشد. دکتر مرد اظهار می‌دارد: «تورم دانش آموزان در شاخه‌های نظری بیش از آنکه به علاقه دانش آموزان مربوط شود، ناشی از ضعف در آموزش‌های فنی و مهارتی در این دوره است. به نظر می‌رسد توجه به افزایش نرخ ترک تحصیل دانش آموزان دوره متوسطه و کمبود دبیران متخصص در این دوره اهمیت بیشتری داشته باشد تا طرح‌هایی که بی‌ثمر بودن و آسیب‌هایش واضح است.» او تصریح می‌کند: «همانطور که سالیان متمادی شاهد آن بودیم تصمیمات عجولانه‌ای در نظام آموزشی کشور گرفته شده است و مسئولان سهم تقصیر خود را در آن نپذیرفته‌اند. حال نیز کارشناسان مورد نظر معاون محترم مسئولیت آشفتنگی ناشی از اجرای چنین طرح‌هایی را خواهند پذیرفت. این حقیقت تلخی است که همیشه هزینه‌های روانی، اقتصادی و اجتماعی طرح‌های کارشناسی نشده و تعجیلی را دانش آموزان، خانواده‌ها و معلمان می‌پردازند.»

حمید رفیعی پژوهشگر حوزه تعلیم و تربیت



اغلب بچه‌ها

در دوره متوسطه دوم

شناخت دقیقی

از رشته‌هایی که انتخاب

می‌کنند، ندارند

و عملاً فشار خانواده‌ها

و گاه جوامع اجتماعی

به هدایت و سوق دادن

آنها به رشته‌ها

منجر می‌شود

ادغام می‌تواند خوب باشد اما شیوه اجر مهم است



حمید رفیعی، پژوهشگر حوزه تعلیم و تربیت از موافقان طرح ادغام رشته‌های نظری است. او در این رابطه به «جوان» می‌گوید: «این طرح را طرحی خوب و به نفع مدارس و نظام آموزشی می‌دانم، اما شکیوه و منطق اجرا و نوع برنامه‌ریزی آموزشی آن بسیار مهم است.»

او ادامه می‌دهد: «رسالت نظام تعلیم و تربیت بر اساس سند تحول آموزش عمومی است، یعنی کسب و رساندن افراد به سلسله‌مراتبی از حیات طیبه که در این بستر مباحث مختلفی مثل جامعه‌پذیری، آموزش شهروندی و آماده‌شدن برای زیست اجتماعی و انواع اینها مطرح است، البته در قانون اهداف وظایف وزارت آموزش و پرورش، هدف از دوره متوسطه، آموزش نیمه‌تخصصی مطرح شده است؛ هم از باب رسالت آموزش عمومی هم از باب اینکه آموزش نیمه‌تخصصی داریم و نه تخصصی. به نظر می‌آید تقسیم‌بندی رشته‌ها به حیطه‌های نظری و فنی و حرفه‌ای کار عاقلانه‌ای است.»

رفیعی می‌گوید: «از ابتدای تحصیل دانش آموز تا پایان دوره متوسطه اول، رویکرد تربیت عمومی وجود دارد و در دوره متوسطه دوم رویکرد نیمه‌تخصصی می‌شود. اغلب بچه‌ها در دوره متوسطه دوم شناخت دقیقی از رشته‌هایی که انتخاب می‌کنند، ندارند و عملاً فشار خانواده‌ها و گاه جوامع اجتماعی به هدایت و سوق دادن آنها به رشته‌ها منجر می‌شود (که البته ما ضعف‌های جدی در حوزه هدایت تحصیلی هم داریم)، بنابراین اگر تحصیل در دوره دوم نیز به صورت کلی‌تر صورت بگیرد و فرد این فرصت را داشته باشد که طی این سه سال تحصیلی آشنایی بیشتری با این رشته‌ها پیدا کند و علایق و استعدادهای خودش را بسنجد و بشناسد، احتمالاً به نحو مطلوب‌تری می‌تواند انتخاب رشته برای ورود به دانشگاه داشته باشد.»

این پژوهشگر حوزه تعلیم و تربیت اظهار می‌دارد: «در برخی مدارس به دلیل به‌حدنصاب‌نرسیدن تعداد دانش آموزان رشته‌های مختلف نظری، کلاس‌ها تشکیل نمی‌شود، مثلاً دانش آموزان ۲۰ نفر هستند و هر شش یا هفت نفر از آنها تصمیم دارند به یکی از رشته‌های نظری بروند، در چنین شرایطی معلم برای این کلاس‌ها غیرقابل تأمین می‌شود و عملاً کلاسی برای شان تشکیل نخواهد شد. این موضوع گاهی باعث رنجش و بعضاً بازماندگی از تحصیل و خروج دانش آموزان از منطقه خواهد شد که آسیب‌هایی را به دنبال دارد.»

عناوین و حجم کتاب‌ها بیشتر می‌شود!



در مورد طرح ادغام رشته‌های نظری نکات ظریف و جزئیات پنهان زیادی وجود دارد. پرواضح است که هر تغییری در نظام آموزشی، مستلزم هزینه بسیار زیاد است، بنابراین برای پیشگیری از اتلاف زمان و هزینه باید کار گروهی خبره تشکیل شود و حداقل طی دو سال در همه ابعاد مختلف با در نظر گرفتن علاقه و نیاز امروزی نوجوانان تحقیق و مطالعه صورت بگیرد. خانم طاهری که معاون آموزشی است با بیان این موضوع به «جوان» می‌گوید: «در اینکه نظام آموزش و پرورش کشور نیازمند تغییر و تحول است و دیگر آن بازدهی کافی را ندارد، هیچ شکی نیست. اینها مسائلی است که نه تنها دانش آموزان بلکه کادر آموزشی و معلمان مدارس نیز از شیوه و محتوای آموزشی فعلی ابراز بی‌براری می‌کنند.»

او به تجارب رودرروی خود با دانش آموزان اشاره می‌کند و می‌گوید: «عناوین های درسی و نظرات دانش آموزان نشان می‌دهد تدریس این حجم از کتب درسی با جامعه امروز، سسبک زندگی خانواده‌ها و حتی نوع نگرش بچه‌ها خصوصاً نوجوانان فاصله بسیار زیادی دارد، به همین دلیل بسیار مخرب و بدون بازده است.» طاهری اظهار می‌دارد: «به نظر من ادغام رشته‌ها به دو دلیل کار عاقلانه‌ای نیست؛ نخست اینکه عناوین دروس و حجم آنها در هر پایه بیشتر خواهد کرد، دوم اینکه دانش آموزی که علاقه یا استعداد بعضی دروس را ندارد، مجبور به مطالعه و امتحان می‌شود و شاید ترک تحصیل دانش آموزان را افزایش دهد.»

او می‌افزاید: «گفته می‌شود یکی از اهداف این طرح کشف استعداد و علایق دانش آموزان برای ورود به رشته دانشگاهی‌شان است، در صورتی که به نظر من باید خیلی زودتر از مقطع دبیرستان رشته مورد علاقه دانش آموز تعیین شود تا آنها ناچار نشوند عناوینی از دروسی را که هیچ علاقه‌ای به آن ندارند، به صورت فشرده و خسته‌کننده بخوانند.»

این معاون آموزشی اظهار می‌دارد: «من و همکارانم دغدغه دانش آموزان و آینده کشور را داریم اما متأسفانه ناچار به پیاده کردن طرح‌هایی هستیم که از سوی اشخاصی طراحی می‌شود که به نظر می‌رسد تجربه میدانی در مدارس را نداشته و ندارند. متأسفانه در چنین شرایطی هیچ کاری از عهده ما برنمی‌آید، جز اینکه دعا کنیم، بهترین تصمیم با توجه به شرایط موجود گرفته شود تا دانش آموزان ما بتوانند در کنار شاد بودن، پیشرفت کنند و موجب سرفرازی خود، خانواده و کشور باشند.»

لزوم کشف استعداد از دوره ابتدایی

واضح است که اگر قرار بر انجام اقدامی مفید و مؤثر در مدارس است، کاهش حجم کتب درسی باید در اولویت قرار گیرد نه اینکه رشته‌ها را ادغام و محتوای درسی را برای دانش آموزان رشته نظری بیشتر و بیشتر کنند. نباید دانش آموز را پای همه دروس بنشانند و بگویند آنها را بخوانند و در نهایت توقع داشته باشند که استعدادش کشف شود. آقایان اگر می‌خواهند دانش آموزان را با کیفیت بهتر و بیشتری آموزش دهند و می‌گویند قصد دارند در دوران دبیرستان علایق و استعدادهای دانش آموزان را بیابند، بهتر است به جای این کار بی‌ثمر، تمام تلاش شان را کنند پیش از اینکه یک دانش آموز به مقطع دهم برسد، استعداد و علایقش کشف شود. مگر نه اینکه مدارس کشورهای پیشرو در آموزش مسئله استعدادیابی دانش آموزان را از همان مقطع ابتدایی انجام می‌دهند؟ پس اگر قرار است به نفع دانش آموزان و مدارس اقدامی شود، بهتر است مدارس ما نیز کشف استعداد دانش آموزان را از همان مقطع ابتدایی انجام دهند نه اینکه رشته‌های نظری را ادغام کنند و کشف استعداد دانش آموزان را به بعد از دوران دبیرستان حواله دهند.



تدبیر تازه کارشناسان بی تجربه برای دبیرستانی‌ها!

معایب و محاسن طرح ادغام رشته‌های نظری در گفت‌وگو «جوان» با کارشناسان آموزش

اختراع دوچرخه از نو؟!

پس از انتشار احتمال اجرای طرح ادغام رشته‌های نظری، موجی از واکنش‌های منفی در شبکه‌های اجتماعی به راه افتاد. یکی از کاربران در این باره نوشته است: «کاملاً اشتباه است. این سه رشته در سطح دبیرستان نه تنها باید مجزا باشند بلکه باید تخصصی تر هم شوند. ادغام اینها مثل همان اشتباهی است که در دانشگاه مرتکب شدند که مثلاً طرف با لیسانس عمران می‌رود دکترای اقتصاد یا لیسانس تاریخ می‌رود شیمی.»

کاربر دیگری نیز نوشت: «کار درستی نیست. بعضی‌ها واقعا علاقه به ریاضی و تجربی ندارند و دچار رکود علمی می‌شوند و بالعکس.»

یکی دیگر از کاربران اینطور نوشته است: «رشته انسانی باید به اجزای تخصصی تقسیم شود، حالا می‌خواهند با ریاضی و تجربی ادغام کنند، واقعا مصداق هر دم از این باغ بری می‌رسد هستند دوستان.»

کاربران دیگر نیز نوشته‌اند: «وقتی افراد کار جدی برای انجام دادن نداشته باشند یا بلد نباشند کار مفیدی انجام دهند، به هدر دادن زمان و امکانات خود مشغول می‌شوند و خیلی هم به آن افتخار می‌کنند. این مشکل هم اصلاً جدید نیست»، «مسخره است، چه کار به. تا بوده یک عده استعداد ریاضی داشتن، می‌رفتن ریاضی، اونی که استعداد حفظی داره، می‌رفت انسانی، اونی که استعداد هنری داشت، می‌رفت هنر و اونی که استعداد طبیعی و علوم زینتی و شیمی داشت، می‌رفت تجربی. هر روز بسرفت!»، «اختراع دوچرخه از نو و موش آزمایشگاهی شدن بچه‌های بیچاره مردم!»

طاهری معاون آموزشی



عناوین های درسی

ونظرات دانش آموزان

نشان می‌دهد تدریس

این حجم از کتب درسی

با جامعه امروز

سسبک زندگی خانواده‌ها

و حتی نوع نگرش

بچه‌ها

خصوصاً نوجوانان

فاصله بسیار

زیادی دارد